



۲۰۱۹/۰۳/۲۲



فردوس

آیا افغانستان طرفدار پاکستان شکل میگیرد؟

عمران خان صدراعظم پاکستان، در سخنرانی ای خطاب به مردمان مناطق قبیله نشین همسرحد با افغانستان گفته است که به زودی جنگ در افغانستان خاتمه می یابد و حکومتی در آنجا تشکیل میشود که از همه گروه‌ها نمایندگی خواهد کرد. او گفت، «برادران ما در افغانستان در صلح زندگی خواهند کرد.» منظور عمران خان بدون تردید این است که طالبان و گروه‌های دیگر در آینده در افغانستان حکومت مشترک خواهند داشت. او از قید «به زودی» استفاده کرد و گفت که جنگ افغانستان به پایان میرسد و حکومتی به میان میآید که بتواند از همه گروه‌ها نمایندگی کند. عمران خان صدراعظمی است که سخت به اردو و استبلاشمنت پاکستان نزدیک است. هیچ نشانه‌ای تا حال دیده نشده است که بر اساس آن حدس بزنیم که سیاست اردوی پاکستان در قبال افغانستان تغییر کرده است. جنرال‌های پاکستانی می‌خواهند یک حکومت طرفدار پاکستان در افغانستان روی کار بیاید. به تعبیر دیگر، آنها می‌خواهند یک افغانستان مخالف هند ایجاد کنند. این خواست حداکثری جنرال‌های پاکستانی است. در ادبیات دانشگاهی نظامی این خواست پاکستانی‌ها را «جست‌وجوی عمق استراتژیک» تعبیر می‌کنند. به بیان دیگر، ارتش پاکستان می‌خواهد افغانستان به عمق استراتژیک این اردو، از دید سیاسی و ایدئولوژیک بدل شود. آنها افغانستانی می‌خواهند که در رویارویی هویتی، مذهبی و حتا نظامی با هند به دردمان بخورد. بنا بر این میتوانیم حکم کنیم که جنرال‌های پاکستانی می‌خواهند افغانستان را در سطح مستعمره‌شان تقلیل دهند. خواست حد اقلی جنرال‌های پاکستانی این است که پاکستان چنان در مناسبات قدرت افغانستان نفوذ تعیین کننده داشته باشد که بتواند بر روابط کابل و دهلی و سیاست گذاری‌های نظامی و اقتصادی افغانستان اثر بگذارد.

مقام‌های پیشین امنیتی افغانستان که مذاکرات محرمانه با اردو و استخبارات پاکستان داشته اند، به این امر گواهی می‌دهند. یوسف‌رضا گیلانی، صدراعظم پاکستان در سال ۲۰۱۰ به همراهی فرمانده وقت اردوی پاکستان جنرال اشفاق کیانی به کابل آمد و بسته‌ای از اوراق جلد شده را در اختیار حامد کرزی گذاشت. در این اوراق خواست‌های پاکستان از افغانستان درج شده بود که عمده‌ترین آنها تنظیم روابط کابل و دهلی نو به خواست پاکستان بود. اخیراً بارنت روبین، افغانستان‌شناس امریکایی که برای اداره اوباما کار میکرد، نوشته است که پاکستان برای رسیدن به پنج هدف مهم دست اتحاد به طالبان داده است. به نوشته روبین

۱- خروج نیروهای امریکایی از افغانستان؛ ۲- کاهش روابط کابل - دهلی نو؛ ۳- به دست آوردن امتیاز دسترسی به آسیای میانه از طریق افغانستان؛ ۴- به دست آوردن امتیاز تقسیم منابع آبی؛ و ۵- رسمیت یافتن سرحد دیورند، اهدافی است که پاکستان می‌خواهد از طریق حمایت از طالبان به آنها برسد.

اگر این اهداف آن طوری که پاکستان می خواهد برآورده شود، روشن است که افغانستان در حد یک ایالت پاکستان تقلیل می یابد. جنرال های پاکستانی تصور می کنند که حضور نظامی امریکا در افغانستان سبب گسترش نفوذ هند در کابل و کاهش نفوذ اسلام آباد شده است. آنها می خواهند هر چه زودتر امریکایی ها بیرون شوند تا پاکستان دست به اقداماتی بزند که نفوذ مخربش در مناسبات قدرت افغانستان افزایش یابد. دشمنی هند و پاکستان از دید بسیاری از محققان، ایدیولوژیک، هویتی و مذهبی است. از طرف دیگر «هند هراسی» هم بخشی از تفکر پاکستان است. این تفکر سبب شده است که پاکستان از حضور دیپلماتیک هند در قندهار، جلال آباد و حتا زاهدان ایران احساس خطر کند. پاکستان شاید تصور می کند که با خروج نیروهای امریکایی و تقویت نفوذ نا متعارف پاکستان در روابط قدرت افغانستان، حضور دیپلماتیک هند هم به پایان می رسد.

با دسترسی پاکستان به آسیای میانه، هیچ حکومتی در افغانستان مشکل نداشته است؛ اما پاکستان حاضر نیست که اجازه دهد افغانستان از طریق قلمروش به هند دسترسی تجاری داشته باشد. پاکستان می خواهد بدون در نظر گرفتن منافع متقابل، در نقش یک قدرت استعماری قرن نهمی ظاهر شود و از افغانستان امتیاز یک جانبه ای دسترسی به آسیای میانه را به دست آورد. مذاکره روی تقسیم آب دریا های مشترک بین دو کشور هم چیزی نیست که کابل مخالف آن باشد. کابل حتا حاضر است که پاکستان و افغانستان به صورت مشترک سرمایه گذاری کنند و روی دریای کنر یک سد تولید انرژی بسازند تا مردمان هر دو کشور از آن سود ببرند؛ اما به نظر می رسد که پاکستان در این قسمت هم امتیاز های نامشروع می خواهد و چندان منافع افغانستان را در نظر نمی گیرد.

معضل سرحدی میان دو کشور هم امری نیست که قابل انکار باشد. کابل خط دیورند را به عنوان مرز رسمی میان افغانستان و پاکستان قبول ندارد، اما افغانستان هیچگاه رسماً به پاکستان ادعای ارضی نکرده است. افغانستان هیچگاهی دست به ماجراجویی نظامی هم نزده است. در جنگ های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ هند و پاکستان هم، افغانستان بیطرفی کامل اختیار کرد. در سال ۱۹۷۱ بیشتر نیروهای نظامی پاکستان از ایالت های همسرحد با افغانستان خارج شدند و به بنگال رفتند تا با جنبش جدایی طلب بنگالی ها بجنگند. در آن زمان افغانستان دست به هیچ نوع ماجراجویی ن زد، بیطرفی کامل اختیار کرد و خواستار حل مشکل بنگال از راه دیپلماسی شد. پس از ختم جنگ ذوالفقار علی بوتو، صدراعظم وقت پاکستان، به کابل آمد و از مقام های وقت افغانستان بابت بیطرفی شان در جنگ بنگال ابراز امتنان کرد. اسناد ملاقات بوتو با مقام های وقت کابل و ابراز امتنان او در آرشیف وزارت خارجه افغانستان موجود است.

آنچه که افغانستان در گذشته انجام می داد، حمایت از سیاست های هویت طلبانه پشتون های ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانیایی و بعد پاکستان بود. پشتون های هویت طلب ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانیایی، در تعاملاتی که منجر به تشکیل پاکستان شد، دخیل نبودند. آنها پس از تشکیل کشوری به اسم پاکستان که ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانیایی هم جزء آن شد، خواستار خود مختاری بیشتر ایالتی، رسمیت یافتن هویت پشتونی و ارتقای زبان پشتو تا سطح زبان رسمی ایالتی بودند. این سیاستمداران هویت طلب که در راس آنها خان عبدالغفار خان قرار داشت، هشدار می دادند که اگر در چارچوب نظم فدرالی پاکستان به خواست های هویتی و سیاسی خود نرسند، علم استقلال خواهی بلند میکنند. کابل در دهه های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ از داعیه جنبش هویت طلب پشتونی به رهبری خان عبدالغفار خان حمایت می کرد. واقعیت این بود که پشتون های پاکستانی در آن زمان زیاد مشکل داشتند. تازه شش سال است که نام ایالت سرحد شمال غربی به پشتونخوا تغییر کرده است. قبل از آن

به این ایالت «صوبه سرحد» میگفتند که هیچ توجیه فرهنگی نداشت. پشتون‌های هویت طلب پاکستان امروز به برخی از خواست‌های مهم خود رسیده‌اند. اینکه آیا حمایت از یک گروه هویت طلب در قلمرو یک کشور دیگر از نظر عرف حاکم بر روابط دولت‌ها امری مشروع است یا نامشروع، موضوعی قابل بحث است، اما چیزی که روشن است، این است که افغانستان هیچگاه با پاکستان به بهانه مشکل سرحدی وارد جنگ نشده است. ولی پاکستان میخواهد که افغانستان بدون دریافت کدام امتیاز، به رسمیت خط دیورند اذعان کند.

آیا عمران خان و مجموع استبلشمنت پاکستان به این نتیجه رسیده‌اند که پس از پایان جنگ امریکا و طالبان حکومت طرفدار اسلام‌آباد در افغانستان روی کار می‌آید؟

آیا گفته‌های اشرف غنی مبنی بر اینکه معاهده جدید گندمک را امضا نمی‌کند، به همین موضوع ربط دارد؟

آیا واقعاً وضعیت به سمتی میرود که صرف به سود پاکستان باشد و هند ببازد؟

آیا دهلی نو عکس‌العملی نشان نخواهد داد؟

این سوال‌ها خیلی جدی است و تا زمانی که مذاکرات امریکا و طالبان به نتیجه روشن نرسد، کسی نمیتواند قاطعانه جواب بدهد. اما تحولات اخیر در روابط پُر جنجال هند و پاکستان، تغییر فرهنگ سیاسی هند و تضاد منافع کشورهای منطقه و نیروهای داخلی، نشان‌دهنده آن است که اگر تحولات در جهت منافع پاکستان مسیر داده شود و منافع بازیگران دیگر از جمله افغانستان در نظر گرفته نشود، پایان جنگ متصور نیست.

